

## چین و آسیای مرکزی

جانو چانگ چینگ، شینگ گوانگ چنگ - سون جوانگ جی، فرهنگستان علوم اجتماعی چین، ۱۹۹۹، ۲۷۵ ص.

کتاب «چین و آسیای مرکزی» از جدیدترین انتشارات فرهنگستان علوم اجتماعی چین، به زبان چینی است. کتاب را چند نفر از پژوهشگران و استادان مرکز مطالعات آسیای مرکزی در «مؤسسه مطالعات اروپای شرقی، روسیه و آسیای مرکزی» فرهنگستان یادشده نوشته‌اند. انتشار این کتاب نشان‌دهنده جایگاه مهم آسیای مرکزی در سیاست خارجی جمهوری خلق چین در دوران پس از فروپاشی شوروی است. کتاب شامل شش بخش و هر بخش شامل چهار فصل است (به جز بخش اول که پنج فصل دارد).

بخش اول کتاب به اوضاع عمومی و تاریخ آسیای مرکزی اختصاص دارد. در فصل نخستین آن، وضعیت سرزمین، منابع طبیعی، جمعیت، پایتخت و پول رسمی، زبان، اقوام مختلف، ادیان، دانشگاهها بیان گردیده است. در فصل دوم، تاریخ آسیای مرکزی بررسی شده و براین نکته تأکید به عمل آمده است که از ایام کهن، سرزمینهایی که اکنون آسیای مرکزی نام دارد، کانون رقابت امپراتوری‌های مختلف بوده و این وضع تا سلطه امپراتوری روسیه و سپس شوروی برآنجا، ادامه داشته است. فصل سوم درباره اوضاع سیاسی و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی و کسب استقلال است. در این فصل اوضاع سیاسی و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی در شرایط جدید مورد بررسی قرار گرفته و چنین نتیجه‌گیری شده که بزرگترین وظیفه اقتصادی که همه آنها در پیش دارند عبارت است از: ۱. کنترل بحران اقتصادی و تبدیل رکود اقتصادی به پیشرفت اقتصادی؛ ۲. انجام اصلاحات اقتصادی. البته هدف نهایی هر دو وظیفه یادشده حصول استقلال اقتصادی، دگرگونی ساختار اقتصادی و دستیابی به شکوفایی است. در فصل چهارم، مناسبات تاریخی چین و آسیای مرکزی از ایام کهن، در دورانی که اقوام مختلف، سکاها و شیون‌نوها (هون‌ها)<sup>۱</sup> در آسیای

1. Xiungnus (Huns)



مرکزی بودند و سلسله «هن غربی»<sup>۱</sup> در چین حکومت داشت، تا عصر جدید مورد بررسی قرار گرفته و تجاوزهای تزاران روس و سپس تهدیدهای اتحاد جماهیر شوروی، به ویژه از اوایل دهه ۱۹۶۰ و احتمال حمله هسته‌ای شوروی به چین از منطقه آسیای مرکزی، بیان شده است. در فصل پنجم، روابط اقتصادی و بازرگانی چین و شوروی سابق در منطقه آسیای مرکزی و «ایالت خودمختار شین‌جیانگ اویغور»<sup>۲</sup> چین، مسایل و مشکلات آن، قراردادهایی که پس از پیروزی انقلاب اکتبر شوروی (۱۹۱۷)، پس از پیروزی انقلاب چین (۱۹۴۹)، و پس از عادی شدن روابط (۱۹۸۹) تا فروپاشی شوروی به امضا رسیده و میزان موفقیت آنها تشریح گردیده است.

بخش دوم کتاب راجع به روابط سیاسی چین و کشورهای آسیای مرکزی است که چهار فصل دارد: ۱. دگرگونی در اوضاع جهانی و تأثیر آن بر روابط دو جانبه؛ ۲. مواضع و اصول اساسی در روابط سیاسی چین و کشورهای آسیای مرکزی؛ ۳. توسعه مناسبات سیاسی چین و کشورهای آسیای مرکزی در عمل؛ ۴. مناسبات سیاسی دو جانبه: مسایل و دورنمای آینده، در فصل اول، به ترتیب مسایل عمده‌ای چون دگرگونی در اوضاع داخلی چین (پس از درگذشت مائو زدونگ در سپتامبر ۱۹۷۶ و تصمیمات سومین اجلاس یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین در دسامبر ۱۹۸۹) و تأثیر آن بر سیاست خارجی کشور و نکات اصلی سیاست خارجی کشورهای آسیای مرکزی پس از کسب استقلال، بررسی گردیده و سپس اظهار نظر شده است که فروپاشی شوروی و گرایش جهان به سوی نظام چندقطبی و همچنین جهانی شدن اقتصاد، در جهت منافع کشورهای خواهان استقلال و عدالت، از جمله پنج کشور آسیای مرکزی است. در فصل دوم، اصول اصلی توسعه مناسبات سیاسی چین و کشورهای آسیای مرکزی و عوامل سیاسی، بین‌المللی، جغرافیایی، قومی، امنیتی مؤثر بر آن بیان شده و بر اصول سیاست خارجی چین از جمله احترام به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، مخالفت با برتری جویی و جهان یک‌قطبی و غیره تأکید به عمل آمده است. فصل سوم به بیان مناسبات دوستانه چین و پنج کشور آسیای مرکزی و دیدارهای متقابل دولتمردان بلندپایه،

۱. سلسله‌ای که از ۲۰۶ پیش از میلاد تا ۲۴ میلادی بر چین حکومت کرد.



تبادل نظرهای آنان و حمایت چین از تلاشهای کشورهای یادشده برای حفظ صلح و امنیت منطقه، پرداخته است. در بخش پایانی این فصل اعلامیه‌های مشترک، قراردادهای و موافقتنامه‌های چین و این کشورها در زمینه‌های مختلف سیاسی و امنیتی آمده و تأکید شده است که هدف اصلی از روابط سیاسی بین کشورهای یادشده، صلح و توسعه اقتصادی است و علیه هیچ کشور ثالثی نمی‌باشد. در فصل چهارم مسایل موجود در روابط دوجانبه آمده که مهمترین آنها مشکلات قومی (حرکتهای جدایی‌خواهانه اویغورها و مسایل مربوط به اقوام دوسوی مرزها) مسایل دینی (حرکتهای اسلامی)، مسایل مربوط به سلاحهای هسته‌ای، مسایل مرزی، عبور غیرقانونی از مرزها و مشکل مربوط به مواد مخدر است. در آینده‌نگری در زمینه روابط سیاسی چین و این کشورها آمده است طرفین علاقه‌مندند مناسبات روبه سوی قرن بیست و یکم، در حال گسترش و تحکیم باشد.

بخش سوم کتاب به روابط اقتصادی اختصاص دارد. فصل اول این بخش ساختارهای اقتصادی چین و کشورهای آسیای مرکزی و مزایای نسبی آنها را در مناسبات اقتصادی خارجی مورد بحث قرار داده و با ذکر آمار و ارقام زیاد دربارهٔ سیاستهای اقتصادی چین در بیست سال اخیر (سیاست دروازه‌های باز اقتصادی) و اصول اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی از بدو استقلال تاکنون به این نتیجه رسیده که طرفین از امکانات بسیار برای گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی دوجانبه و حضور در بازارهای منطقه‌ای و جهانی برخوردارند. فصل دوم به تشریح تلاشهای هر یک از کشورها برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی اختصاص دارد و در آن ملاقاتهای سران کشورها و وزرای اقتصادی و بازرگانی و خارجی و هیأت‌های تخصصی و نتایج حاصله از آن بیان گردیده است. اصول شش‌گانه حاکم بر این همکاری‌ها عبارت‌اند از نفع دوجانبه، چندگانگی همکاری‌ها، توجه به واقعیات و بازار، بهبود تسهیلات ترابری، کمکهای دوستانه چین به این کشورها و بالاخره تلاش در راه پیشرفت مشترک. در پایان این فصل تأکید شده است که یکی از اهداف اصلی این همکاری‌ها اجرای طرحهای زیربنایی و در درازمدت، ازدیاد امکانات برای توسعه مبادلات اقتصادی، بازرگانی و فنی است. در فصل سوم که از مفصل‌ترین مباحث کتاب می‌باشد، آمار و ارقام و جداول زیادی دربارهٔ مبادلات بازرگانی و همکاری‌های اقتصادی و علمی و فنی چین و هر یک از پنج



کشور آسیای مرکزی آمده است و در فصل چهارم مسایل و مشکلات در این زمینه تشریح گردیده است.

بخش چهارم کتاب سه محور ثبات، پیشرفت و همکاری را در چهار فصل مورد بررسی قرار داده که عبارت‌اند از: ۱. ثبات و پیشرفت و اهمیت و نقش آن؛ ۲. همکاری‌های چین و هریک از کشورهای آسیای مرکزی؛ ۳. نقش راه‌آهن دوم آسیا - اروپا؛ ۴. از رویارویی تا همکاری و پیشرفت مشترک. فصل اول بر این نکات تأکید دارد که ثبات و پیشرفت چین از عوامل اصلی حفظ صلح و ثبات در بخش آسیایی اقیانوس آرام و همچنین ثبات جهانی است و اوضاع آسیای مرکزی و صلح و ثبات آنجا نیز برای دوام صلح در سرزمینهای آسیایی - اروپایی نهایت اهمیت را دارد. در فصل دوم تلاش‌های چین برای کمک به تحقق برنامه‌های اصلاحی در آسیای مرکزی تشریح گردیده و در عین حال گفته شده که چین قصد ندارد الگویی برای دیگران باشد، بلکه هر کشور باید راه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را بر مبنای واقعیات خود بیپیماید. در بخش پایانی این فصل هریک از طرح‌های اصلاحات که با کمک چین در کشورهای آسیای مرکزی جریان دارد، بیان گردیده است.

فصل سوم، به راه ارتباطی مهمی بین دو قاره آسیا و اروپا پرداخته و آن راه‌آهن معروف به پل دوم آسیا - اروپا (در برابر راه‌آهن ماورای سبیری که پل اول آسیا - اروپا نامیده می‌شود) است. این خط آهن بندر «لیانگ یون‌کانگ»<sup>۱</sup> در شمال شرقی چین را از طریق گذرگاه «الاشن»<sup>۲</sup> به قزاقستان و از آنجا به بندر تتردام در اروپا می‌پیوندد. طول آن ۱۰۰۰۰ کیلومتر یعنی ۳۰۰۰ کیلومتر کم‌تر از راه‌آهن ماورای سبیری است و از عوامل مهم برای دسترسی چین به اروپا و دسترسی آسیای مرکزی به بازارهای خاور دور می‌باشد. در فصل چهارم راه‌برد گشایش دروازه‌های ایالت شین‌جیانگ به روی اقتصاد و بازرگانی خارجی و سپس آمارهای مربوط به مبادلات بازرگانی بین آن ایالت و کشورهای آسیای مرکزی به تفصیل آمده است. نمایشگاه‌های بازرگانی در منطقه و همچنین طرح‌های نفت و گاز در شین‌جیانگ و امکانات همکاری در این زمینه با آسیای مرکزی از مباحث پایانی این فصل به‌شمار می‌رود.



بخش پنجم راجع به همکاری‌های امنیتی است. در فصل اول به تاریخچه بی‌ثباتی‌ها در آسیای مرکزی و آثار آن بر پیرامون منطقه پرداخته و سپس با توجه به ذخایر نفت و گاز دریای خزر و رقابت قدرتهای مختلف برای بهره‌برداری از آن، امکانات اقتصادی در سرزمینهای بین سیحون و جیحون و غیره چنین نتیجه‌گیری شده که عوامل بالقوه برای رقابتها و ایجاد ناامنی در آسیای مرکزی زیاد است اما بی‌ثباتی در آنجا برای همسایگان از جمله چین خطرناک خواهد بود. علاوه بر این، حمل مواد مخدر از طریق آسیای مرکزی توسط باندهای بین‌المللی، موضوع محیط زیست، رشد بی‌رویه جمعیت، مسایل قومی، رقابتها بر سر منابع دریای خزر، آینده را نامطمئن می‌سازد. در فصل دوم گفتگوهای بین‌المللی برای تضمین ثبات و امنیت در منطقه از جمله اجلاس تاشکند در سپتامبر ۱۹۹۵ که جمهوری اسلامی ایران و چین نیز در آن حضور داشته‌اند، اشاره گردیده است. فصل سوم به همکاری‌های چین و کشورهای آسیای مرکزی در مورد امنیت منطقه پرداخته، توافقات در زمینه‌های منع آزمایشهای هسته‌ای و منع مسابقات هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ در پکن و در سال ۱۹۹۷ در تاشکند، مسایل مربوط به همکاری بعضی از کشورهای آسیای مرکزی با ناتو و خطراتی که سیاست گسترش به سوی شرق ناتو برای کشورهای آسیایی دربر دارد و نظرات چین در این زمینه و اتحاد نظامی و امنیتی کشورهای آسیای مرکزی با روسیه و اینکه چنین اتحادهایی نباید علیه «کشور ثالث» باشد و سپس به‌طور مفصل موضوع علاقه آمریکا به حضور در آسیای مرکزی و تلاشهای سیاسی، اقتصادی و نظامی آن کشور را تشریح کرده و در پایان به حضور اروپا، ترکیه و ایران در آسیای مرکزی پرداخته است. درباره ایران ضمن اشاره به همکاری‌های مختلف دوجانبه اظهار نظر شده است که ایران اهداف سیاسی، اما آسیای مرکزی اهداف اقتصادی را دنبال می‌کند. فصل چهارم، همکاری‌های نظامی - امنیتی چین و کشورهای آسیای مرکزی را بررسی کرده ملاقاتهای رهبران این کشورها، امضای قراردادهای موافقتنامه‌ها در مورد دفاع و امور نظامی و همچنین مرزهای طرفین را برشمرده است.

بخش ششم به نتیجه‌گیری عمومی و تشریح اوضاع و شرایط جهانی و جایگاه چین و کشورهای آسیای مرکزی در آن پرداخته است و شامل چهار فصل به این شرح می‌باشد: ۱. چین و آسیای مرکزی در جهان در حال تحول؛ ۲. چین و آسیای مرکزی نیازمند چگونه محیط



بین‌المللی هستند؛ ۳. همکاری‌های وسیع چین و آسیای مرکزی در صحنه بین‌المللی؛ ۴. اوضاع و احوال جدید، چالش‌های جدید. در فصل اول اوضاع و احوالی که چین و آسیای مرکزی تا اواخر دهه ۱۹۸۰ با آن روبرو بودند، یعنی دنیای دو قطبی یادآوری گردیده و سپس نقاط قوت و ضعف هریک در شرایط جدید جهانی بررسی شده است. نکات مشترکی که در پایان این فصل بین چین و کشورهای آسیای مرکزی ذکر گردیده عبارت است از اهمیت جغرافیایی، مناسبات چندجانبه سیاسی و اقتصادی با کشورهای مختلف جهان، جهانی شدن علوم و فنون و سهولت دستیابی هر دو به آنها، ارتباط زیاد بین سرنوشت کشورها در دنیای امروز. وظایفی هم که چین و کشورهای آسیای مرکزی به‌طور مشترک با آن‌ها روبرو هستند در دو فصل بعد تشریح گردیده و آن عبارت است از مقابله با برتری جویی و سیاست‌های مبتنی بر قدرت، مخالفت با سلطه انحصاری یک ابرقدرت بر امور بین‌المللی، مبارزه با جدایی‌خواهی قومی و حرکات افراطی، تلاش در راه حفظ صلح و ثبات بین‌المللی و حمایت از نظام اقتصادی عادلانه و منطقی بین‌المللی. در فصل چهارم به تهدیدهای آینده در آسیای مرکزی از جمله تلاش آمریکا برای ایجاد یک جهان تک‌قطبی، راهبرد ناتو برای گسترش به سوی شرق، قدرت یافتن احتمالی روسیه در آینده و توجه همیشگی آن کشور به آسیای مرکزی به‌عنوان منطقه نفوذ انحصاری خود و همچنین مسایل دیگری چون محیط زیست در دریای خزر و دریاچه بایکال اشاره شده و لزوم همکاری چین و کشورهای منطقه برای مقابله با مشکلات در جهت حفظ استقلال و پیشرفت اقتصادی و علمی و فنی و بهبود وضع زندگانی مردم مورد تأکید قرار گرفته است.

کتاب «چین و آسیای مرکزی» همانند بیشتر انتشارات فرهنگستان علوم اجتماعی چین، از پشتوانه قوی پژوهشی برخوردار است. آمار و ارقام و تحلیل‌های خوبی که راجع به اوضاع سیاسی، اقتصادی، امنیتی و روابط خارجی هریک از کشورهای چین و آسیای مرکزی و مناسبات دوجانبه آنها و جایگاه آنان در صحنه بین‌المللی ارائه گردیده، بدیع است و در دیگر مقاله‌ها و کتب راجع به منطقه به ندرت دیده می‌شود. این اطلاعات نو و تحلیل‌های مفصل است که کتاب را در زمینه منابع مربوط به منطقه از جایگاهی ویژه برخوردار می‌سازد.

محمدجواد امیدوارنیا





شپوهنځي ښوونځي ښوونځي  
پرتال جامع علوم انساني